

آشنایی با شاخصه ها و ویژگی های تعلیم و تربیت اسلامی و بهره گیری از آن ها برای

آموزش کودکان دبستانی

احترام شکری نصرت آباد^۱، اسدالله خدیوی^۲

^۱ فارغ التحصیل کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
^۲ دکتری تربیت حرفه ای - روانشناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تبریز، تبریز، ایران

چکیده

تعلیم و تربیت اسلامی نظامی استنباطی است که براساس آن، می توان با استفاده از متون دین برای همه مسائل تعلیم و تربیت پاسخی فراهم آورد. هدف تعلیم و تربیت اسلامی، ایجاد انسان صالح و درستکار است و آماده کردن او برای ادامه ی زندگی در جهان واپسین و وصول به کمال بی نهایت است. این کار مستلزم به کارگیری روش های صحیح در تربیت است که نوشتار حاضر به بررسی آن می پردازد. بدین منظور تلاش می کند نخست مبانی و اصول تربیتی را مشخص کرده و سپس بر اساس آن ها روش های تربیتی را معرفی کند. اطلاعات موجود در این نوشتار با مراجعه به کتابخانه و نرم افزارهای مرتبط جمع آوری شده و با رویکردی توصیفی _ تحلیلی سعی بر جمع بندی آن ها شده است. در این مقاله از معنای لغوی و اصطلاحی و مفهوم تعلیم و تربیت اسلامی سخن گفته شده و همچنین از تاریخچه ی این علم و فلسفه ی آن مباحثی به میان آمده است و ویژگی ها و هدف تعلیم و تربیت اسلامی به تفصیل پرداخته شده است که مناسب ترین و جامع ترین تعریف در رابطه با فلسفه ی تعلیم و تربیت اسلامی این است که فلسفه ی تعلیم و تربیت اسلامی از گزاره های هستی شناختی، معرفت شناسی، ارزش شناسی، انسان شناسی به شیوه ی عقلی و استدلالی می پردازد تا بتواند درگام های بعدی به تدوین اهداف، اصول و روش های تربیتی دست یابد. آنچه هدف تعلیم و تربیت اسلامی است حقیقت جویی و حصول رستگاری است و این مساله جز از طریق تعلم و تعقل در کنار تزکیه حاصل نمی شود. همچنین به مطالعه روش های به کارگیری و استفاده از روش های تعلیم و تربیت دینی برای کودکان و نوجوانان پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: تعلیم و تربیت اسلامی، آموزش، پرورش، اسلام، مدرسه

۱. مقدمه

امروزه هر جامعه ای اساس کار خود را بر تربیت صحیح و متناسب با نیازها و فرهنگ و ارزش های اساسی خود برای نسل آینده قرار داده است. توجه به این نکته نیز ضروری است که آینده یک جامعه در دستان نسل آتی است و پیشرفت و موفقیت جوامع و رسیدن به اهداف، بستگی به شیوه ی تربیت و آموزش دست اندرکاران فردای آن جوامع دارد. هریک از نظام های تربیتی اهداف خاصی را مد نظر دارند و همه فعالیت های خود را برای تحقق آن ها مصروف می دارند.

تعلیم و تربیت در زندگی بشر مهمترین و اساسی ترین جنبه زندگی است، به گونه ای که هرگونه اشتباه و انحراف در آن باعث انحراف در همه امور زندگی می شود. با تعلیم و تربیت صحیح است که توانایی های انسان در زندگی بروز کرد و ظهور پیدا می کند و انسانیت انسان تحقق می یابد. در اسلام به این موضوع مهم توجه بسیار شده و قواعد مناسبی برای رشد انسان تعیین گردیده است. سخن از تعلیم و تربیت یکی از جذاب ترین مباحث عرصه ی دینی است، چه آنکه در طول تاریخ بشریت تا اوایل عصر روشنگری، دین مهم ترین عامل تعلیم و تربیت انسان ها بوده و از عصر روشنگری به بعد نیز همواره دین یکی از بهترین عوامل تربیت انسان ها به شمار می آمده است. در نوشتار پیش رو سعی بر این شده است نکات ویژه و اساسی در حیطه ی تعلیم و تربیت اسلامی شرح داده شود که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

معنی لغوی تعلیم و تربیت اسلامی، مفهوم تعلیم و تربیت اسلامی، اصول و مبانی، روش ها و اهداف تعلیم و تربیت اسلامی. در مقاله پیش رو این موارد با توضیح و تفصیل بیان شده است تا ذهن خوانندگان در زمینه ی مسائل دین مبین اسلام من جمله تعلیم و تربیت آگاه تر شود. همچنین پژوهش حاضر در صدد پاسخ گویی به سوالات زیر است:

۲. سوالات تحقیق

الف). شاخص ها و ویژگی های تعلیم و تربیت اسلامی شامل چه مواردی می باشد؟

ب). راهکارهای به کارگیری و استفاده از تعلیم و تربیت اسلامی در آموزش کودکان شامل چه مواردی می باشد؟

۳. اهمیت و ضرورت موضوع

در جامعه امروزی ما که بیش از نیمی از جمعیت آن را نوجوانان و جوانان به خود اختصاص داده اند توجه و اهتمام به تعلیم و تربیت اسلامی بیش از پیش اهمیت یافته است. در زمینه توجه به جوانان رسول گرامی اسلام (ص) مکرراً فرمودند: «وصیت می کنم شما را به تکریم و نیکی جوانان که دل های شان رقیق و پاک است و هنگامی که از سوی خدا به پیامبری مبعوث شدم، جوانان با من هم پیمان شدند و پیران با من مخالفت کردند» [۱]. این توجه و اهمیت دادن به جوانان، اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت اسلامی آنان را بیش از پیش نمایان می سازد. در جدول (۱) اهمیت این موضوع بسط داده شده است.

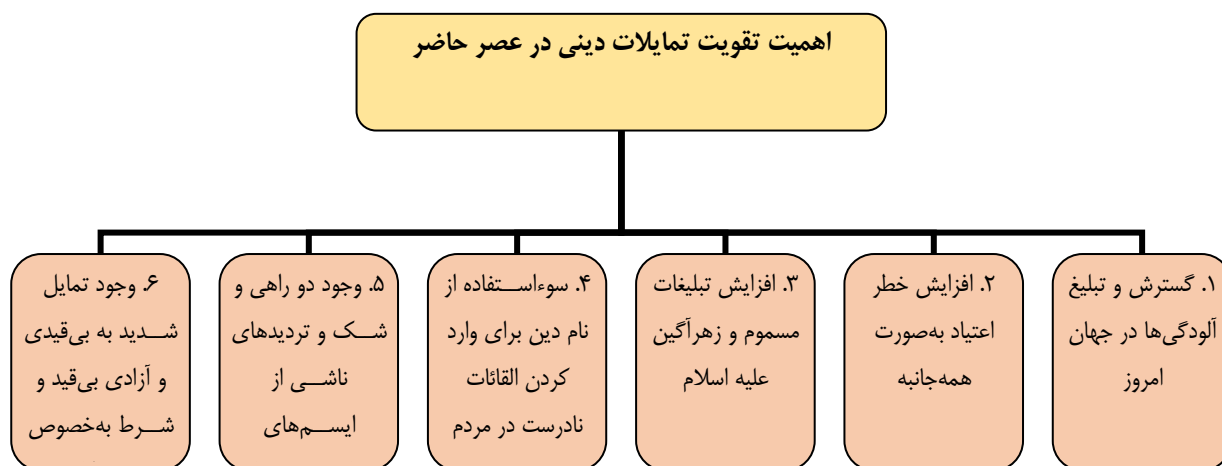
جدول (۱): اهمیت و ضرورت توجه به تعلیم و تربیت دینی کودکان و نوجوانان (طراحی جدول: نگارنده).

ردیف	توضیحات
۱	جوانان امروزه عهده دار مسئولیت های فردا خواهند بود، پس هرگونه سرمایه گذاری در جهت شناخت عوامل مؤثر بر تربیت و ریشه های مذهبی آنان در واقع یک سرمایه گذاری اساسی محسوب می شود که سلامت جامعه فردا را تضمین خواهد کرد
۲	با کم رنگ شدن مسائل دینی و اخلاقی در جامعه و تلاش های بی وقفه دشمنان دین اسلام و تهاجمات فرهنگی ناشی از آن، سرنوشت ارزش های اسلامی ما در گزند تهدید می باشد.
۳	جامعه اسلامی ما در حال گذر از یک جامعه سنتی به یک جامعه در حال توسعه است، این عامل در

تغییر ساختار نظام ارزشی جامعه تأثیرگذار است.	
علاوه بر این با گسترش هر روزه وسایل ارتباط جمعی مثل ماهواره و اینترنت، عموم مردم به خصوص نسل نوجوان و جوان در معرض خطرات روزافزونی هستند و با توجه به اینکه در حال حاضر با مشکلاتی در باز تعریف نظام ارزشی روبرو هستیم، وظایف مسئولین آموزشی بسیار افزوده شده است.	۴

اگرچه تاکنون مسئولان امر در راستای هر چه بیشتر آشنا کردن نسل جوان با فرهنگ و ارزش‌های دینی گام‌هایی را برداشته و امروز شاهد برگزاری مراسم و تشکل‌های مذهبی در مدارس هستیم؛ اما هنوز هم بسیاری از نوجوانان و جوانان در اثر ناآشنایی با باورهای دینی به بحران‌های هویتی مبتلا هستند. پس نیازمند انجام تحقیقات و پژوهش‌هایی برای رفع این معضلات هستیم تا با مطالعات دقیق بتوانیم راهکارهایی عملی را بیابیم تا گرایش نسل جوان به ارزش‌های دینی را افزایش دهیم.

تقویت آموزه‌های دینی، به خصوص در نسل جوان به کنترل اضطرابات درونی (که از خصوصیات این سنین است) کمک کرده و در تعدیل گزینه جنسی که در نوجوانی بیدار شده است کمک شایانی می‌کند. تعلیم و تربیت مبتنی بر آموزه‌های دینی کنترل فرد را در برابر آلودگی‌ها و گناهان افزایش داده و با متوجه کردن افراد نسبت به وظایف روزانه خود و تحت ضابطه قرار دادن روابط انسانی و اجتماعی، نقشی اساسی در تربیت دارد. همچنین تقویت تمایلات دینی در عصر حاضر به چند دلیل دارای اهمیت است که در نمودار (۱) شرح داده شده است؛



نمودار (۱)؛ اهمیت تقویت تمایلات دینی در عصر حاضر (طراحی نمودار: نگارنده).

۴. سوابق پژوهش‌های انجام شده در باب موضوع

در این زمینه تا آنجا که نگارنده بررسی کرده کتاب و مقاله‌ای که به صورت مستقل کار شده باشد یافت نشد اما به صورت غیر مستقل در مورد موضوع تعلیم و تربیت اسلامی کتاب‌ها و مقالاتی فراوانی نوشته شده است که در جدول (۲) تعدادی از این پژوهش‌ها شرح داده شده است؛

جدول (۲): سوابق پژوهش های صورت گرفته (طراحی جدول: نگارنده).

ردیف	نام نویسنده	نام اثر	توضیحات اجمالی
۱	سید محمد بلاغی (۱۳۸۸)	مبانی و اصول تربیتی از دیدگاه پیامبر اکرم (ص)	در این مقاله به ذکر مبانی و اصول تربیت دینی که پیامبر (ص) بر رعایت و انجام این امور تاکید داشته، پرداخته است اما هیچ اشاره ای به صورت مستقل به بحث روش های تعلیم و تربیت اسلامی نکرده است.
۲	خسرو باقری (۱۳۷۴)	نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی	نویسنده در این کتاب درباره ی چگونگی مفهوم تربیت و تمثیل تربیت در اسلام صحبت کرده است و همچنین از اهداف غایی تربیت که در هدایت و رشد و رسیدن به تقوا تأثیری بس شگرف دارد اشاره کرده است و از اصول و مبانی و روش هایی که در تربیت یک فرد نقش موثری می تواند داشته باشد بیان داشته است.
۳	علی رضایی (۱۳۸۷)	بررسی راه های افزایش گرایش عملی جوانان به مسائل دینی از نگاه فرهنگ اسلامی	در این تحقیق در مورد راهکارهای رفع دین گریزی و رفع گرایش به فرهنگ بیگانه موارد زیر آمده است: ۱. ارائه الگوهای مناسب، ۲. تقویت بینش دینی جوانان و شناساندن فرهنگ غرب به آنان، ۳. زدودن فقر اقتصادی و اشتغال سازنده و مفید، ۴. پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن، ۵. استفاده از امکانات تربیت بدنی.
۴	احمدی نژاد و مجیدی (۱۳۸۵)	بررسی راه های تقویت و حفظ دینداری و دین باوری نسل جوان در برابر تهاجم فرهنگی غرب	نتایج این تحقیق به این شرح است: ۱. خانواده نقش ارزنده ای در دین باوری و دینداری نسل جوان دارد. ۲. خانواده می تواند با ایجاد ایمان و خدا باوری جوان را در برابر تهاجم فرهنگی مقاوم می سازد. ۳. با به کارگیری ابزاری مانند ورزش و کانون های قرآن و هنر در مدارس و مراکز علمی و آموزش دینداری را می توان اشاعه داد و با تهاجم فرهنگی غرب مقابله کرد و دینداری را از نسل جوان توسعه داد.
۵	معرفت الله بیگدلی (۱۳۸۱)	بررسی علل کم رنگ شدن مسائل دینی و اخلاقی در بین دانش آموزان متوسطه نظری و نقش مربیان پرورشی در تقویت ارزش های دینی و اخلاقی دانش آموزان اردبیل	نتایج این تحقیق به این شرح است: ۱. متغیرهای رفتاری فرهنگی حاکم بر مدارس، نگرش والدین به مسائل دینی و اخلاقی، رفتارهای اجتماعی حاکم بر مدارس، امکانات فیزیکی مدرسه، رفتارهای اجتماعی حاکم بر جامعه، رفتارهای مذهبی و اخلاقی دبیران تخصصی، ویژگی های اخلاقی و رفتاری دبیران بینش و قرآن، ویژگی های دینی و اخلاقی والدین و رفتارهای مذهبی و اخلاقی مربیان پرورشی با کم رنگ شدن مسائل دینی و اخلاقی دانش آموزان رابطه معناداری داشته اند.

۵. معنای لغوی تعلیم و تربیت اسلامی

تعلیم و تربیت اسلامی عنوانی است که برای نشان دادن رویکرد اسلام در ساختن و پرداختن انسان به کار می رود. واژه ی تربیت از ریشه ی «ربو» و باب تفعیل است در این ریشه معنای زیادت و فزونی اخذ شده است و در مشتقات مختلف آن، می توان این معنا را به نوعی باز یافت. واژه ی تعلیم نیز از ریشه ی علم و باب تفعیل به معنای دانستن است [۲].

در قرآن کریم مفهوم تربیت غالباً در ارتباط با انسان به کار رفته، عمدتاً مفهوم رشد و نمو جنسی مراد بوده است چنان که در آیات اشاره شده در جدول (۳) مشهود است:

جدول (۳): معنی لغوی تعلیم و تربیت اسلامی (طراحی جدول: نگارنده).

ردیف	مشخصات آیه	متن عربی آیه	ترجمه فارسی
۱	سوره اسراء، آیه ۲۴	«وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا» ^۱	و بگو خدایا بر والدین من که مرا در کودکی تربیت کردند رحم نما.
۲	سوره آل عمران، آیه ۱۶۴	«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»	یقیناً خدا بر مومنان منت نهاد که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می خواند و پاکشان می کند و کتاب و حکمت به آنان می آموزد، و به راستی که آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.
۳	سوره بقره، آیه ۱۲۹	«رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»	پروردگارا، در میان آنان رسولی از خودشان برانگیز که بر آنان تلاوت آیات تو کند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد و روانشان را (از هر زشتی) پاک و منزه سازد، که تو بر هر کار که خواهی قدرت و علم کامل داری.

۶. مفهوم تعلیم و تربیت اسلامی

تعلیم و تربیت یکی از مهمترین هدف های عالی پیامبران بوده است تا انسان به کمال و هدف خلقت نایل شود. فلاسفه و دانشمندان حتی پیروان مکاتب مادی و الحادی با روش و بینش خویش از تعلیم و تربیت سخن گفته اند. تربیت به معانی رشد دادن و رفع موانع جهت شکوفایی استعدادها به سوی کمال است. تعلیم بدون تربیت موجب سقوط انسان خواهد شد. با نگاهی به گذشته بشر مقطعی از تاریخ را نمی توان یافت که خالی از این دو عنصر مهم باشد؛ پیشینه چین، هند، ایران، اروپا و ... شاهد صدق این مدعاست [۳]. قرآن کریم سند مدون تعلیم و تربیت است که با اولین آیات نازل شده بر پیامبر (آیات اولیه سوره علق^۲) بر تعلیم و تربیت استوار گردیده است. با توجه به اینکه هر مکتبی بر پایه مبانی خاص خود، یعنی زیر ساخت فلسفی و اعتقادی خود به تربیت انسان ها می پردازد، شناخت این مبانی از دیدگاه اسلام برای دستیابی به نظرات تربیتی اسلام، اجتناب ناپذیر است [۴].

تعلیم و تربیت یک جریان است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و از نظر ارزش و اهمیت می توان گفت از اساسی ترین فعالیت های بشری به حساب می آید، زیرا سرچشمه همه بزرگی ها و رشدها را در تعلیم و تربیت باید جست و جو کرد. هر جامعه و فرهنگی دارای نظامی خاص در تعلیم تربیت است و منظور ما از نظام، صورتی سازمان یافته یا مجموعه

^۱ ربیانی در این آیه از همان ریشه ی ربو گرفته شده و مراد از آن پرورش و تربیت است.

^۲ ۱. اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۲. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۳. اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۴. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۵. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

۱. بخوان به نام پروردگارت که آفرید. ۲. انسان را از خون بسته ای خلق کرد. ۳. بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است. ۴. همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود. ۵. و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد.

ای از تدابیر در زمینه ای خاص است اینکه نظام تربیتی اسلام چگونه تربیتی است؟ در پاسخ می توان گفت نظامی است که زمینه را برای فراهم ساختن انسان و حرکت او به سوی کمال فراهم و تسهیل می کند. در اسلام به این موضوع مهم توجه بسیار شده و قواعد مناسبی برای رشد انسان تعیین گردیده است [۵]. بدیهی است یک مکتب که دارای هدف های مشخص است و مقررات همه جانبه ای دارد و به اصطلاح سیستم حقوقی و سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی دارد، نمی تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد [۴].

در تربیت اسلامی، هدف اساسی و غایی تربیت، الهی شدن آدمی است. برای رسیدن به این هدف، استعداد های عالی انسان که در خلقت او قرار داده شده است باید رشد کند و فعلیت یابد. شهید مرتضی مطهری که در خصوص تربیت انسان نیز دیدگاه های حائز اهمیتی دارد با الهام از مکتب تربیتی اسلام معتقد است: تربیت، پرورش استعداد های درونی و به فعلیت درآوردن آن ها است. بدیهی است «یک مکتب که دارای هدف های مشخص است و مقررات همه جانبه ای دارد و به اصطلاح سیستم حقوقی و سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی دارد، نمی تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد [۵]. معلم که یکی از تأثیرگذارترین عناصر سیستم تربیتی و آموزشی در کل دنیا و در ایران می باشد هم متأثر از این پیشرفت ها و ابزارها می باشد، که می توان گفت نظام آموزش و پرورش ما باید با توجه به اصول، ارزش ها و فرهنگ خود پا به پای زمان پیش رود و بتواند انسان هایی را در راستای اهداف مشخص و متناسب با دین اسلام تربیت نماید تا بتوانند تمدن ساز شده و به هدف غایی تربیت یعنی تقرب الهی برسند.

۶-۱- تربیت دینی

ارزش ها و باورهای دینی، غرایز بشر را در جهت صحیح هدایت کرده و خواسته ها و تمایلات او را اصلاح کرده و انسان هایی برای جامعه تربیت می نماید که قادر به بالندگی کشورشان باشند. تربیت دینی شکوفا کردن قوای انسان به طور متعادل، هماهنگ و در چارچوب ارزش های الهی است [۶].

بر این اساس، رشد و تثبیت باورهای دینی به طور اعم در جامعه و به طور اخص در مورد دانش آموزان، در درون نظام آموزشی، یکی از مسائل اساسی و مهم کشور است. نهادهای مختلفی می توانند بر امر درونی کردن ارزش های دینی نقش داشته باشند؛ ولی اهمیت مراکز آموزشی در این بین بسیار زیاد است، به خصوص این که در کشور ما به مدارس و تربیت دینی، به خصوص در دوره دبیرستان، اهمیت ویژه ای داده می شود؛ زیرا مراحل اولیه رشد و تکوین شخصیت در دوران نوجوانی تثبیت می شود و گاهی برای تمام عمر پایدار باقی می ماند. ما نیز بیش از هر زمان دیگر نیازمند تفکر و اندیشه درباره مؤثرترین روش های پرورش و تقویت احساس مذهب و رفتار خداجویانه در میان جوانان و نوجوانان کشورمان هستیم. واضح است یکی از مکان هایی که ساعات بسیاری از وقت نوجوان را به خود اختصاص می دهد مدرسه است، اگر محیط مدرسه و مدیران و مربیان تربیتی طوری شکل داده شوند که به تثبیت باورهای نوجوان بپردازند، کمک بزرگی به اعتلای روح خداجوی نوجوان می کنند. هدایت نوجوان در مسیر رشد و سیراب کردن روح تشنه معنویات وی، یکی از اهداف مدارس است [۷].

تأکید بر تربیت دینی و اخلاقی و تقویت آن در دانش آموزان از این جهت اهمیت دارد که آن ها در آینده ای نه چندان دور مسئولیت اداره جامعه را به عهده خواهند گرفت و اگر این تربیت، درست اتفاق بیفتد می توان امیدوار بود که آیندگان نیز در انتقال آن ارزش ها به نسل بعد موفق باشند. در این باره، درونی کردن ارزش ها می تواند به این هدف بزرگ جامعه عمل پوشاند. مقصود از درونی کردن این است که جزئی از وجدان شخصی شود و اهمیت درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان این است که اگر این ارزش ها درونی نگردد تا مادامی که زور و اجبار وجود داشته باشد، دانش آموزان به صورت ظاهری نسبت به این ارزش ها اظهار وفاداری می کنند؛ اما هر وقت که احساس آزادی و اختیار کنند، بی اعتقادی خود را نسبت به این ارزش ها نشان می دهند و این امر سبب ترویج روحیه تملق، چاپلوسی و ظاهرسازی، نفاق و... در جامعه می شود [۸].

۷- فلسفه ی تعلیم و تربیت اسلامی

همان گونه در ارتباط با خود تعلیم و تربیت اسلامی اقوال و تعاریف متعددی نهفته است در ارتباط با فلسفه تعلیم و تربیت نیز این قاعده جاری است، اما مناسب ترین و جامع ترین تعریف در رابطه با فلسفه ی تعلیم و تربیت اسلامی این است که فلسفه ی تعلیم و تربیت اسلامی از گزاره های هستی شناختی، معرفت شناسی، ارزش شناسی، انسان شناسی به شیوه ی عقلی و استدلالی می پردازد تا بتواند در گام های بعدی به تدوین اهداف، اصول و روش های تربیتی دست یابد. این تعریف جامع افراد و مانع اغیار است و بر رویکرد انتخابی مناسبی مبتنی است و همگام با روش پژوهش و مراحل و ویژگی های این علم می باشد و تاحدودی به وظایف علم اشاره دارد [۹]. متقن ترین نمونه فلسفه تعلیم و تربیت از سوی «جان دیویی»^۳ و در عصر ما نیز از سوی «پائولو فریره»^۴ (کسی که به فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان ابزاری برای بازسازی تجربیات انسان، مدارس و جامعه می نگریست) ارائه شده است [۱۰].

اگرچه فلاسفه گذشته در زمینه تعلیم و تربیت آثاری داشته اند، اما فلسفه تعلیم و تربیت به مفهوم رایج آن، تنها در این قرن از محبوبیت برخوردار بوده است. در سال های اخیر، این رشته برای تثبیت خود، به عنوان بخش مهمی از تربیت معلم، که غالباً تنها یک بخش از دروس اصلی تعلیم و تربیت را شامل می شود، مشکلات بسیاری داشته است. به بیان دیگر، بهره گیری از اندیشه ها و تحلیل های فلسفی در تعلیم و تربیت، با انتقادات فراوانی از درون و برون این رشته مواجه بوده است. فلسفه تعلیم و تربیت در ارائه نقش یا نفوذ واقعی اش، در سال های اخیر با مشکل مواجه بوده است. گاهی بسیار فلسفی و در نتیجه، با مربیان شاغل بی ارتباط بوده و در بعضی مواقع، که تلاش نموده تا با آن ها مرتبط شود، در انجام صحیح این وظیفه و به کارگیری درست روش های فلسفی، با شکست مواجه گشته است.

۸- ویژگی های تعلیم و تربیت اسلامی

از نگاه شریعت اسلامی انسان مجموعه ای از استعدادهای بالقوه است که برای به فعلیت در آوردن این استعدادها و توانایی ها، نیازمند تعلیم و تربیت است. آنچه هدف تعلیم و تربیت اسلامی است حقیقت جویی و حصول رستگاری است و این مساله جز از طریق تعلم و تعقل در کنار تزکیه حاصل نمی شود. از نگاه اسلام رشد عقلانی به موازات رشد اخلاقی صورت می گیرد و به تعبیری این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. همانگونه که اخلاق منهای علم، جهالتی بیش نیست، علم منهای اخلاق نیز حماقتی بیش نخواهد بود. همواره در کتب دینی و اخلاقی ما علم و اخلاق در کنار هم ذکر شده و اسلام مکتبی است که بیشترین توجه را به فراگیری دانش در کنار اخلاق نموده است، همانگونه که پیامبر گرامی اسلام هدف بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق ذکر کرده است.

بدون شک تعلیم و تربیت اسلامی نظامی جامع و کامل است که تمام ابعاد وجودی انسان را مورد توجه قرار داده است. در فرآیند تعلیم و تربیت اسلامی جسم و روان، حیات دنیوی و اخروی، جامعه و فرد باید به یک میزان پرورش یابند و هیچ یک نباید به بهای دیگری نادیده گرفته شود. خرد و خرد ورزی همواره از جایگاهی خاص در تعالیم اسلام برخوردار بوده است. بیان اهمیت جایگاه خرد و خرد ورزی در قالب ۳۰۰ آیه در قرآن خود دلیلی آشکار بر این مدعاست. مسلماً چنین تاکید و اهمیتی در مکتب شیعه دو چندان می شود هنگامی که معتبرترین کتب حدیثی این مکتب همچون اصول کافی و بحارالانوار، باب های نخستین خود را با عناوین «باب العقل و الجهل» و «فضل العلم» به تحصیل علم اختصاص داده اند و سپس به بحث پیرامون اصول دین می پردازند.

^۳ یکی از معروفترین فیلسوفان آمریکایی قرن بیستم John Dewey

^۴ نظریه پرداز تعلیم و تربیت انتقادی، فیلسوف تربیتی و آموزگار برزیلی بود Paulo Reglus Neves Freire

بدون شک چنین ترتیبی بی حکمت نبوده و به همین علت عالم بر عابد و تفکر بر تعبد همواره برتری داشته است. احادیث بسیاری در این باب نقل شده که به عنوان نمونه می توان به این حدیث اشاره کرد: پیامبر گرامی اسلام ص می فرمایند: «فکره ساعه خیر من عبادۀ ستین سنه: ساعتی/اندیشیدن بهتر از شصت سال عبادت کردن/ست.» [۱۱]. چه بسیار عبارات و کلمات از پیشوایان دین نقل شده است که نشان می دهد تعبد بدون پشتوانه عقلی فاقد ارزش است. پس از بررسی جایگاه خرد و خردورزی در تعلیم اسلام، ذکر این نکته ضروری است که قرآن با نگاهی خاص و بدیع به مساله اقسام خردورزی نظر می افکند. قرآن با ۳ مسلک حس گرایی محض، استدلال محض و تذکر محض سر نزاع دارد و مسیر خود را از هر ۳ مسلک جدا کرده است. نگاه مطلقگرانه در هر یک از این ۳ مسلک، عامل اصلی بی توجهی قرآن به آن هاست. از نگاه قرآن «شکوفایی اندیشه و راهیابی آن به مقصود از طریق مواجهه حسی و نظری با جهان همراه با کنترل اهواء نفسانی میسر می شود و هرگونه مطلق گرایی در یکی از طرق مزبور آفت تعقل است.» [۱۲].

۹- اهداف تعلیم و تربیت اسلامی

هدف تعلیم و تربیت اسلامی ایجاد انسان صالح و درستکاری است که به معنای صحیح کلمه ی «الله» را بپرستند. بنای حیات دنیوی و مادی اش را بر مبنای شریعت استوار سازد و این حیات را به خدمت دینش در آورد. هدف تعلیم و تربیت باید رشد متوازن کل شخصیت انسان، از طریق تربیت روح، عقل خود، عقلانی، احساسات و عواطف و حواس جهانی باشد بنابر این تعلیم و تربیت باید تسهیلات لازم را برای رشد انسان در جمیع ابعاد و وجوه یعنی ابعاد و وجوه روحانی و معنوی، عقلی، تخیلی، جسمانی، عملی و تجربی و زبانی، هم در ساحت فردی و هم در ساحت جمعی فراهم آورد و همه ی این ابعاد و وجوه را در جهت صلاح و نیل به کمال به کار اندازد. هدف نهایی تعلیم و تربیت اسلامی این است که تسلیم محض به الله، در قلمرو فرد، در قلمرو جامعه و به طور کلی در قلمرو انسانیت تحقق پذیرد [۱۳].

مهمترین اصول و مبانی نظام تعلیم و تربیت اسلامی در سیره ائمه اطهار علیهم السلام بر محور «شناخت خدا»، «شناخت انسان» و «شناخت هستی» و به عبارت دیگر، ایمان به اصول و فروع دین اسلام و اخلاق استوار است. پیامبر گرامی اسلام با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، سعی در توجه مسلمانان به این اصول زیربنایی داشتند تا از این طریق، به اهداف نظام اسلامی دست یابند.

از منظر قرآن، روشن است که مهمترین اهداف ارسال انبیای الهی هدایت انسان ها به سوی سعادت و قرب الی الله با ارائه طریق و رفع موانع آن است؛ چنانکه قرآن کریم در آیه ۳۳ سوره مبارکه توبه درباره هدف رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». «اوست خدایی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان ناراضی و مخالف باشند.»

آیه به صراحت اعلام می کند که بعثت و ارسال حضرت محمد (ص) بدین دلیل است که دین او، یعنی اسلام، دین جهانی باشد. و به عبارت دیگر، همه ادیان و آیین های قبلی را به دین اسلام دعوت کند. او برای دعوت مردم و نیز تعلیم و تربیت آن ها در مسیر تعلیم الهی، با دو شیوه کلی (تبشیر و انذار) کار خود را آغاز می کند، زیرا وی به عنوان حاکم اسلامی، وظیفه دارد تا به نو مسلمانان آداب اسلامی را یاد دهد و در این راه از هیچ تلاشی فروگذاری نکند. اهمیت توجه پیامبر به امر تعلیم و تربیت مردم به دلیل نجات جامعه اسلامی، تربیت انسان و روشن نمودن دید آن ها به دنیا و جهان آخرت است. تعلیم و تربیت را از یک نظر دارای دو غایت و هدف اساسی است:

۸. آموزه های تربیتی اسلام و مقایسه آن با تربیت سکولار

هدف غایی تربیت اسلامی، پرورش انسان مقرب الهی است که شاکله دینی در وجود او به طور کامل شکل بگیرد و رفتارهای دینی ریشه دار از او سر بزند. فلسفه خلقت بشر را نیز در همین نکته می توان یافت که خداوند انسان را برای این آفرید که او به وسیله تربیت صحیح، کمال یابد و به سر منزل مقصود برسد. با علم به این هدف غایی، تربیت اسلامی اهمیت و جایگاه خاصی پیدا می کند. تربیت اسلامی به ایجاد وضعیت مناسبی اطلاق می شود که زمینه را برای بروز و ظهور استعدادهای فطری آدمی فراهم می کند و او را بالنده تر و کمال یافته تر می سازد. هر زمان فرصت و امکان برای فعلیت یافتن استعدادها فراهم می شود، آن زمان قداست و ارزش پیدا می کند. به همین دلیل می توان در تفکر اسلامی سخن از امور مقدس و نامقدس گفت.

امور مقدس اموری است که منسوب به خداوند متعال و موجب رشد انسان می شود. امور نامقدس نیز اموری است که خداوند آن ها را نامطلوب و مضر به حال آدمی معرفی کرده و آدمیان را از اجرای آن ها بازداشته است. با این رویکرد، هر قدر انسان رشد واقعی پیدا کند و به خداوند نزدیک شود، حریم پیدا می کند. برای ورود به این حریم باید آداب را مراعات کرد و قواعدی را به جان خرید. تربیت اسلامی نیز به دلیل ارتباطش با فطرت الهی انسان، ارزش و اهمیت والایی پیدا می کند و به علم مقدسی تبدیل می شود. هر چند تربیت در مفهوم کلی مقوله ای با ارزش است تربیت اسلامی به دلیل انتساب به اسلام قداست پیدا می کند [۱۴]. فرایند تربیت در فلسفه تربیت براساس استنباط از مبانی اساسی تصریح شده در جامعه اسلامی چنین تعریف شده است: تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد [۱۴]. اما نگاه نظام «سکولار»^۵ به فرایند تربیت به گونه ای در تلاش جهت تفکیک کامل این فرایند از دین و لزوم نقش آفرینی آن است؛ به این معنی که نمی توان و نباید بنیاد هرگونه تربیت را فرایندی اجتماعی براساس مبانی و ارزش های دینی قرارداد. براساس تفکر و سیاست های سکولار حاکم بر الگوهای تربیتی رایج، رابطه هنجاری و جهت دهنده ی نهاد دین و ارزش های دینی با این گونه تربیت به طور کلی قطع گردیده یا به حداقل رسانده شده است [۱۴].

متأسفانه در چنین جوامعی بروز رفتارهای غیر اخلاقی و وقوع اعمال خشونت آمیزی مانند درگیری با اسلحه تخریب اموال مدرسه، جیب بری، استفاده از مواد مخدر، دست زدن به اعمال منافی عفت و... چنان در محیط مدرسه گسترش یافته است که انتشار اخبار آن حتی مسئولان سیاسی این جوامع را به چاره اندیشی واداشته و آن ها را به چالشی سترگ فرا می خواند. به عنوان مثال گزارش یک تحقیق ملی تحت عنوان «خشونت و مشکلات انضباطی در مدارس دولتی امریکا» که در سال ۱۹۹۸ از سوی وزارت آموزش و پرورش این کشور منتشر شد و از یک بحران اخلاقی در مدارس امریکا پرده برداشت، مؤید این حقیقت است که رسیدگی به امر تربیت در نظام آموزشی جوامع سکولار به دست فراموشی سپرده شده و بهای چندانی به آن داده نمی شود [۱۵].

اما خوشبختانه تعلیم و تربیت در کشور ما برخلاف جوامع سکولار، دارای سابقه دینی و اخلاقی بوده و تربیت در آن، بنابر یک سنت دیرینه، جایگاه بس مهمی دارد. یعنی تقویت بنیان های اخلاقی و اصلاح رفتار دانش آموزان مسئولیتی است که نظریه پردازان تربیتی در گذشته بر آن تأکید داشته اند و آن را از مهمترین وظایف و مسئولیت های معلمان برشمرده اند [۱۶]. دین به مثابه ی آیین حیات طیبیه بر همه شئون و ساز و کارهای فردی و اجتماعی انسان تأثیر می گذارد. فرایند تربیت رسمی و عمومی یکی از ساز و کارهای اجتماعی است که زمینه ساز تحقق حیات طیبیه است. از این رو به طریق اولی ضرورت دارد با مبانی و ارزش های اساسی دین متناسب، هماهنگ و منطبق باشد [۱۴]. بر همین اساس تبیین تربیت با نگاه دینی اهمیتی دو

^۵ جدا انگاری دین از سیاست Secularism

چندان پیدا می کند. در منابع اسلامی توجه به رشد عقلانی و درک و فهم از جهت گیری های اساسی بوده است. در قرآن آیات بسیاری یافت می شود که انسان ها را به تدبیر و تعقل دعوت نموده است. به عنوان مثال آیه ۲۹ سوره مبارکه ص که خداوند می فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ»، «این قرآن کتابی مبارک و عظیم الشأن است که به تو نازل کردیم تا امت در آیاتش تفکر کنند و صاحبان مقام عقل متذکر (حقایق آن) شوند».

در پایان این مبحث به عنوان نکته تکمیلی باید گفت از نظر اسلام رشد و تربیت انسان باید براساس فطرت صورت گیرد. از دیدگاه اسلام وجود فطرت مسلم و واقعی است؛ آنجا که قرآن در آیه ۳۰ سوره مبارکه روم می فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، «پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند».

۱۱- ویژگی های معلم اسلامی معاصر

معلمی در قرآن به عنوان جلوه ای از قدرت لایزال الهی، نخست ویژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی دانسته شده است و در نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیغمبر اکرم (ص) نازل شد، به این هنر خداوند اشاره شده است (آیات اولیه سوره مبارکه علق). افزون بر این در مقام و جایگاه رفیع معلم همین بس که حضرت امیر المومنین علی (ع) می فرمایند: «من عِلْمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا»، «کسی که به من یک حرف بیاموزد مرا بنده ی خود کرده است».

پدر و معلم از جمله کسانی هستند که نقش مهم و اساسی در شکل گیری شخصیت هر فردی دارند. به همین جهت آموزه های دینی ما جایگاه ویژه ای را برای آن ها تعریف کرده است. از نظر معیارهای اسلامی انسان کسی است که درد خدا را داشته باشد و چون درد خدا را دارد درد انسان های دیگر را هم دارد. قرآن راجع به پیغمبر می فرماید: پیامبر آن چنان برای هدایت و سعادت مردم و نجات آنان از اسارت ها و گرفتاری های دنیا و آخرت حریص است که می خواهد خود را هلاک کند [۱۷]. از طرفی پیامبر نیز فرموده اند: «بالتعليم ارسلت» یعنی «برای تعلیم و تربیت مبعوث شدم» [۱۸]. در واقع ایشان خود را معلم انسان ها می دانند پس معلوم می شود در اسلام هم، معلم باید درد انسان های دیگر را داشته باشد تا هدایتگر خوبی باشد و بتواند فراگیران را به هدف اصلی نظام تعلیم و تربیت اسلامی، یعنی تقرب الهی، راهنمایی کند. از طرفی با توجه به اجتهاد روشمند در اسلام امر هدایت و تربیت مردم و بالأخص فراگیران هماهنگ با سطح درک و فهم آن ها و پیشرفت های روزشان صورت خواهد گرفت، همانطور که «محمد بن یعقوب کلینی» در کتاب شریف الکافی، جلد ۱، می گوید: «پیامبران متناسب با سطح درک و فهم مردم با آن ها سخن می گفتند و آن ها را هدایت می نمودند»؛ پس تعلیم و تربیت اسلامی هم باید پا به پای پیشرفت های مثبت روز و فناوری صورت گیرد تا بتواند در تمدن سازی اسلامی و رسیدن به حیات طیبه در مقابل رویکردهای دیگر مانند سکولار، تجددگرایی، شریعت گرایی و... موفق باشد

۱۲- چگونگی داشتن یک آموزش و پرورش نوین اسلامی

در گذشته، گفته های معلمان در مدرسه وحی منزل بود. از کلاس های تقویتی و معلم خصوصی به شکل کنونی خبری نبود. والدین از وضع فرزند خود کمتر خبر داشتند و احساس می کردند همین که او را به مدرسه بفرستند و کتاب و دفتری برایش تهیه کنند وظیفه شان را انجام داده اند. معمولاً بزرگترها مشغول کار خودشان بودند و معدل بچه ها برایشان زیاد مشکل آفرین نبود. بچه ها هم می دانستند همه چیز به همت خودشان بستگی دارد و نباید منتظر دیگران بنشینند. با وجود کمبود امکانات، اگر کتابی در دسترس بچه ها قرار می گرفت، اکثر آن ها تمایل به خواندن آن داشتند. اما امروز والدین همپای

فرزندان می‌دوند. چهره‌های خونسرد و بی‌خیال بچه‌های قدیم، جای خود را به نگاه مضطرب و نگران در بسیاری از کودکان امروز سپرده است که باید از کنکور چندین مدرسه غیردولتی گذر کنند.

امروزه این همه کتاب خواندنی و این همه نشریه متنوع در دسترس است ولی مشتری فراوانی ندارد. تلویزیون، ویدئو، سینما، ماهواره و غیره فرصت کتاب خواندن را گرفته‌اند؛ اگر دیروز پدر و مادرها نمی‌دانستند فرزندانشان در چه کلاسی درس می‌خوانند، امروز به حد افراط نسبت به کوچکترین رویداد مدرسه کودک خویش حساس هستند، چه بسا می‌خواهند شکست‌های دیروز خویش را با توفیق امروز فرزندانشان جبران کنند و چه بسا آن‌ها را نماد آرزوهای کنونی خویش قرار می‌دهند؛ آرزوهایی که در کودکی خودشان تحقق نیافته است [۱۹].

در صدد هستیم اصول و مواردی را برای داشتن یک آموزش و پرورش نوین اسلامی بیان کنیم که به عنوان زیر بنا برای این مهم محسوب می‌شوند و از پیشنهادهای کلیشه‌ای و راهکارهای مکرری که همه جا بیان می‌شود بپرهیزیم؛ چرا که با تحقیق بر تک‌تک موارد زیر و مشابه آن‌ها و تفکر بر روی آن‌ها و پیاده کردنشان در عمل به نتایج بسیار مطلوبی در نظام آموزشی دست پیدا خواهیم کرد. می‌توان گفت دین اسلام یک سری اصول ثابت و غیرقابل تغییر دارد و یک سری اصول غیرثابت دارد. اسلام در واقع علاوه بر وحی و تعالیم دینی جایگاه ویژه‌ای برای عقل در نظر گرفته است. دین صرفاً در قلمرو و محدوده‌ی زندگی فردی قرار ندارد بلکه برنامه‌ی جامع زندگی تلقی می‌شود و در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی حضور اساسی دارد. دین در عرصه‌های مذکور اصول کلی و در مواردی اصول و قوانین جزئی دارد و در عرصه‌هایی نیز به «منطقه الفراغ» وارد نشده است. از این رو در عرصه‌ی اخیر، استفاده از عقل و دانش متراکم بشری و توسعه آن‌ها در چهارچوب مبانی و ارزش‌های دینی، جایگاه ارزشمندی دارد. بر اساس این رویکرد، مسلمانان می‌توانند و باید بر مبنای تفسیر کتاب و سنت و اجتهاد روشمند و پویا، در جامعه‌ی اسلامی، متناسب با مقتضیات زمان و مکان، به سوی پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی گام بردارند [۱۴].

از طرفی نظام تربیت رسمی و عمومی با ویژگی انعطاف معیارمدار، باید نسبت خود را با این رخداد‌های تاثیرگذار و حیاتی که ذکر شد مشخص سازد. این پدیده‌ها در عین اینکه فرصت‌های بی‌نظیری برای بهبود و توسعه‌ی کمی و کیفی نظام تربیت رسمی و عمومی و در کل نظام تعلیم و تربیت فراهم ساخته‌اند تهدیداتی را نیز برای نظام به همراه آورده‌اند. از این رو، نظام تربیتی در چهارچوب اصول دین بنیاد خود نسبت به آن‌ها موضع‌گیری فعال و مثبت (نه انفعالی و منفی‌بینانه) می‌کند و جهت‌گیری‌های عملی خود را تعیین می‌نماید [۱۴].

با تغییرات زمان نه باید دربست هماهنگی کرد و نه دربست و صد درصد مخالفت کرد، چون زمان را انسان می‌سازد و انسان موجودی است که می‌تواند زمان را در جهت خوبی تغییر دهد و می‌تواند در جهت بدی تغییر بدهد، پس با تغییراتی که در جهت خوبی است باید هماهنگی کرد و با تغییراتی که در جهت بدی است، نه تنها نباید هماهنگی کرد بلکه باید مخالفت کرد [۲۰].

خداوند به انسان قوه‌ی انتخاب و کشف و ابتکار و خلاقیت بخشیده است. انسان قادر است شکل تولید و توزیع مایحتاج خود را عوض کند، ابزارها و وسایل نوتر و بهتر از پیش اختراع نماید، سیستم زندگی خود را عوض کند، در روابط اجتماعی خود و طرز تربیت و اخلاق خود تجدید نظر نماید، محیط را و زمین را و زمان را به نفع خود تغییر دهد، شرایط و اوضاع و احوال اجتماع خود را عوض نماید [۲۰].

در احادیث و روایات نیز به کسب علم و بهره‌گیری از تجارب بشری و از منابع مختلف حتی خارج از جغرافیای مسلمانان، و از اقوام، ملل و فرهنگ‌های گوناگون توجه شده است. خداوند در قرآن در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره مبارکه زمر می‌فرماید:

« ۱۷. وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ ۚ ۱۸. الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ ۚ » « ۱۷. و کسانی که از عبادت و بندگی طاغوت‌ها (و قدرت‌های ضد الهی) دوری نموده و به سوی خدا بازگشتند بر آنان مژده باد ، پس بندگان مرا بشارت ده ۱۸. آنان که سخن را با دقت می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنانند که خداوند هدایتشان نموده و آنانند همان خردمندانند.»

پیامبر(ص) نیز فرموده است: «علم را بجوید حتی اگر درچین باشد». بر این اساس مسلمانان برای کسب علم، از اغلب محدودیت های مکانی و فرهنگی عبور می کنند. در واقع می توان گفت آموزش و پرورش نباید خود را محدود به مکان، زمان و تجربیات و فرهنگ خاصی کند بلکه باید قول ها و ابزارها و پیشرفت های گوناگون را دریافت و کسب کند و آنگاه متناسب با اصول حاکم بر نظام تربیتی و نظام ارزشی جامعه خود بهترین آن ها را به کارگیرد.

در واقع در نظام آموزشی، به ویژه در عصر حاضر باید شناخت کافی از مخاطب خود داشته باشیم؛ این امر در استفاده از فناوری در تربیت و آموزش هم اهمیت دارد. باید قبل از تولید و یا خرید یک درس افزار چندرسانه ای تا می توانیم شناخت خود را از فراگیرانمان که همان مخاطبان درس افزارند گسترش دهیم. برای این کار باید در مورد برخی از مهمترین شاخص ها اطلاعات کافی و دقیقی کسب نماییم که از جمله ی آن ها عبارت اند از: ویژگی های یادگیری مخاطبان، ویژگی های مذهبی، ویژگی های اخلاقی که در نوع خود بسیار مهم اند و باید بدان هاتوجه کرد [۲۱].

۱۳- آموزش مفاهیم دینی به کودکان

در رابطه با چگونگی آموزش مفاهیم دینی به کودکان اختلاف نظرهایی وجود دارد گروهی معتقدند پیش از بلوغ نباید به کودک آموزش دینی داد و گروهی عکس این نظر را معتقدند. از نظر اسلام، به ویژه بر اساس سیره و رهنمودهای معصومان علیهم السلام، آموزش مفاهیم دینی از هنگام تولد شروع می شود و آموزش در دوره کودکی پایه و اساس در دوره های دیگر است. از طرفی، آموزش صحیح و مؤثر بدون در نظر گرفتن توانایی ذهنی کودک مطلوب نیست و ممکن است کودک را نسبت به یادگیری دلسرد و یا در یادگیری او اختلال ایجاد نماید. از این رو، آموزش مفاهیم دینی به کودکان گرچه امری بسیار مقدس و والا است، اما موفقیت در آن، در گرو آگاهی و شناخت اصول و روش های آموزشی متناسب با آن است. به فرموده امیرالمؤمنین (ع) «هیچ حرکتی نیست مگر این که انسان در به انجام رساندن آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد». آموزش مفاهیم دینی نیز مانند هر علم دیگری نیاز به شناسایی و به کارگیری اصول و روش های صحیح، کارآمد و مؤثر دارد. بنابراین، همان گونه که شناخت خصوصیات و توانایی های کودکان در بهینه سازی آموزش مفاهیم دینی امری مسلم است، شناخت اصول و روش های مربوط به آموزش مفاهیم دینی کودکان دبستانی نیز ضرورت دارد. بدین ترتیب، اگر آموزش مفاهیم دینی کودکان بدون توجه به اصول و روش های صحیح آموزشی انجام پذیرد، مصداق این سخن امام صادق علیه السلام خواهد بود که: «کسی که بدون بصیرت دست به انجام کاری می زند، مانند رونده در بیراهه ای است که هرچه سرعتش بیش تر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد»

۱۴- ویژگی های کودکان دبستانی

شناخت صحیح استعدادها، توانایی ها، کاستی ها، نیازها و نیروهای جسمانی و روانی کودکان در مراحل مختلف سنی از عوامل بسیار مهم و کارساز امر آموزش و پرورش به شمار می آید. نخستین ویژگی کودکان دبستانی این است که نوآموز سال اول دبستان از هر حیث با نوجوان دبیرستانی تفاوت دارد. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی و شناسایی بخش هایی از توانش های شناختی کودکان دبستانی خواهیم پرداخت که ارتباط بیش تری با آموزش پذیری مفاهیم دینی این دوره دارد. کودک در این دوره وارد مرحله جدیدی از رشد عقلی (ذهنی) می شود که پیازه آن را مرحله «عملیات عینی» نامیده است. «این دوره، به این دلیل عملیات عینی خوانده می شود که با وجود رشد استعدادهای ذهنی و عقلی در کودک، هنوز

^{۱۰} ما مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَآنتَ مُتَحَاجٌّ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ

عملیات ذهنی وابستگی به جهان خارج دارد و حل مسائل در گرو ارتباط مستقیم و عینی است. به اعتقاد «ژان پیاژه»^۷، کودکان در این دوره از نظر احساسات و عواطف بیش تر به بزرگسالان شباهت دارند، ولی در تفکراتشان با آنان بسیار متفاوت هستند. در این دوره هرچند از سرعت رشد بدنی کاسته می شود، اما رشد عقلی همچنان به سرعت دوره قبلی (در جهت آشنایی با مفاهیم گوناگون) ادامه می یابد، حتی اندیشه و استدلال پیشرفت بیش تری دارد. آشنایی کودک با مفاهیم نگهداری ذهنی، از جمله نشانه های روشن رشد عقلی کودک در این دوره می باشد. منظور از نگهداری ذهنی این است که اگر ظاهر اشیای خارجی (از جهات مختلف) تغییر کند، وضع آن ها در ذهن کودک ثابت می ماند و او چنین تشخیص می دهد که این اشیای به ظاهر تغییر کرده، همان اشیای سابق هستند و فرقی نکرده اند.

موریس دبس نیز درباره رشد و تحول عقلی کودک دوره ابتدایی می گوید: «در این دوره، فکر هیأت جدیدی به خود می گیرد. فکر مرکب از مناسبات، جانشین فکر در هم آمیخته دوره پیشین می گردد و کودک به مدد آن از جهان خارجی تعبیری می کند که به علم ما درباره جهان بسیار نزدیک تر است... بر اثر رشد و اثرگذاری های محیط تربیتی، فکر کودک حول چند مفهوم اساسی، یعنی مفهوم زمان، مکان، عدد، علت، حرکت و نظایر آن که معلومات محسوس را متحد می سازند، سازمان می یابد. یکی از اساسی ترین ویژگی ها که می تواند در آموزش مفاهیم دینی به ما کمک کند وجود «گرایش دینی» و «میل به سوی امور مذهبی» در کودک است. ما معتقدیم، مفاهیم اساسی دین اسلام، از قبیل اعتقاد به خدا و دین، اموری هستند که با سرشت اولیه و دست نخورده کودک، و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگار است. علاقه مندی کودک به دین و خدا اکتسابی نیست، بلکه این علاقه در درون او وجود دارد و در سنین پس از بلوغ به شکوفایی آشکار می رسد. کودک فطرتی خدا آشنا دارد، تعلیم و تربیت در اصل عهده دار رشد و شکوفایی و تقویت این گرایش های فطرتی است و معلم پرورش دهنده آن هاست. در این زمینه، به فرمایش پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اشاره می نماییم که فرمود: «کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون ابواه یهودانه و ینصرانه، هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید و این پدر و مادر او هستند که او را از مسیر فطرت سلیم خود منحرف ساخته، یهودی یا نصرانی می سازند».

۱۵- اصول آموزش مفاهیم دینی به کودکان

همان گونه که در بخش مفهوم شناسی گذشت، اصول عبارت است از قواعد و دستورالعمل های کلی مبتنی بر تعلیم دینی، پژوهش های روان شناسی و نظریات دانشمندان تعلیم و تربیت، که به منزله راهنمای عمل، در آموزش مفاهیم دینی به کودکان مورد استفاده قرار می گیرند. بنابراین، در این پژوهش، به بررسی این اصول می پردازیم.

۱۵-۱- اصل سهولت

منظور از اصل سهولت این است که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، باید توان شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان را در نظر گرفت و از زیاده روی، خشونت و سخت گیری در روند آموزشی پرهیز نمود؛ زیرا هدف از آموزش مفاهیم دینی، برانگیختن شوق و رغبت کودکان به یادگیری آموزه های دینی است و نه صرفاً انتقال آگاهی های دینی. از این رو، پیامبر اکرم (ص) همواره این سخن را تکرار نموده اند که «آموزش دهید و آسان بگیرید و سخت گیری نکنید»؛ چرا که «خداوند مرا سخت گیر و سرسخت مبعوث نفرمود، بلکه مرا آموزگاری آسان گیر مبعوث نموده است».

^۷ Jean Piaget

روان شناس، زیست شناس و شناخت شناس فرانسوی-زبان سوئیسی بود که به خاطر کارهایش در روان شناسی رشد و شناخت شناسی شهرت یافته است.

شهید مطهری نیز نقل می کند: «پیامبر گرامی اسلام (ص) آن گاه که معاذ بن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستاد، به او چنین فرمود: «یا مَعَاذُ بَشَرٍ لَا تُنْفِرْ وَ يَسْرُوْا لَا تُعَسِّرْ»؛ می روی برای تبلیغ اسلام، اساس کارت تبشیر و مژده و ترغیب باشد، کاری بکن که مردم مزایای اسلام را درک بکنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. نکته ای که پیغمبر اشاره کرد این بود که «بَشَرٍ وَلَا تُنْفِرْ»؛ کاری نکن که مردم را از اسلام فرار بدهی و متنفر بکنی. مطالب را طوری تقریر نکن که عکس العمل روحی مردم فرار از اسلام باشد.

حال با توجه به اصل آسان گیری در آموزش های اسلامی، رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی به کودکان از اهمیت بیش تری برخوردار است؛ زیرا بنابر آنچه در بررسی ویژگی های کودکان بیان شد، مفاهیم دینی اموری هستند که با فطرت کودک سازگارند و نیازی به تحمیل و سخت گیری ندارند، سخت گیری زمانی است که آموزه هایی خلاف خواست فطری کودک به گونه ای برای او ترسیم و تکرار شود که آن را بدون فکر و اندیشه بپذیرد. علاوه بر این، مفاهیم و آموزه های دینی سهل و آسان، زمینه های درونی و انگیزشی لازم را برای کودک فراهم نموده، او را به یادگیری مفاهیم و حقایق دینی علاقه مند می سازد. چنان که خشونت و سخت گیری در امر آموزش مفاهیم دینی، کودک را نسبت به اصل دین و تعالیم حیات بخش آن بدبین نموده، آثار و پیآمدهای ناگواری در روحیه لطیف او باقی خواهد گذاشت. بنابراین، رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی کودک چنان مهم است که ائمه معصومین علیهم السلام در سخنان نورانی خویش والدین را بدان سفارش نموده اند. بنابر مضمون روایتی از امام صادق علیه السلام به نقل از رسول مکرّم اسلام (ص)، «والدین کاری را که انجام آن برای کودک آسان و ساده است بپذیرند و آنچه را که انجامش بر وی سنگین و غیر قابل تحمل است از او انتظار نداشته باشند».

۱۵-۲- اصل تدریج

اصل تدریج و رعایت توان و استعداد دانش آموز از دیگر اصول تعلیم و تربیت است. انسان از زمان تولد تا سنین بزرگسالی توانایی های جسمی، ذهنی و عاطفی یکسانی ندارد و در هر دوره از رشد با خصوصیات ویژه آن دوره ظاهر می شود. قرآن کریم در طول ۲۳ سال به تدریج بر پیامبر نازل گردید که خداوند در آیه ۱۰۶ از سوره «اسراء» به این نکته اشاره می فرماید: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ تَنْزِيلًا»؛ و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را به تدریج نازل کردیم. مفسران در بیان علل نزول تدریجی آیات قرآن مطالب فراوانی نوشته اند که بررسی همه آن ها از حوصله این مقاله بیرون است و در این جا تنها به دیدگاه علامه طباطبائی اشاره می کنیم. به عقیده ایشان، نزول آیات قرآن به تدریج به خاطر بلوغ و رشد استعداد مردم در تلقی معارف اعتقادی و احکام فرعی و عملی آن است. خلاصه آن که، قرآن با در نظر داشتن سطح درک و فهم مردم، به مرور احکام اسلام را بیان فرموده، به گونه ای که فهم و پذیرش آن برای آنان ممکن باشد. بنابراین، آموزش مفاهیم دینی به کودکان نیز باید تدریجی باشد و آنان را به تدریج و آرام آرام با مفاهیم دینی آشنا نمود. در تعالیم اسلامی توصیه هایی در این زمینه وجود دارد که ما تنها به ذکر یک روایت اکتفا نموده و نتیجه گیری می کنیم.

امام باقر یا امام صادق علیهم السلام در حدیث مفصلی آموزش مفاهیم دینی کودکان را در سنین مختلف بیان فرموده است: «در سه سالگی کلمه توحید «لا اله الا الله» را به کودک بیاموزید، سپس او را رها کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، آن گاه «محمد رسول الله» را به او یاد بدهید، سپس تا چهار سالگی او را رها سازید و در چهار سالگی «صلوات بر محمد» را به او بیاموزید.

بر این اساس، دانشمندان تعلیم و تربیت با توجه به توانایی های ویژه دوران کودکی در آموختن مفاهیم و معارف، رعایت اصل تدریج را مسأله مهمی تلقی نموده اند که غفلت از آن نتایج جبران ناپذیری به بار خواهد آورد. در این مجال به آراء تنی چند از آنان اشاره می کنیم.

به نظر «پستالوزی»^۸، آموزش کودک باید بر اساس مراحل رشد طبیعی آدمی صورت گیرد. بر همین اساس، دست یافتن کودک به مرحله بعدی راه، آن گاه برای او ممکن می‌داند که مرحله نخست را پیموده باشد. وی با توجه به اصل تدریج در آموزش سرعت و شتابزدگی را زیان آور دانسته، می‌گوید: «طبیعت، شایستگی‌های برتر آدمی را همانند گوهری که در صدف پنهان است، در او پنهان کرده است. اگر صدف را پیش از وقت بشکنید، گوهری ناقص خواهید یافت. امام محمد غزالی نیز در کتاب میزان العمل می‌نویسد: «یکی دیگر از وظایف معلم این است که به قدر فهم فراگیر سخن گوید و یکباره در تربیت نخست، آنان را از امور آشکار به موارد دقیق، و از ظاهر و علنی به پنهان و خفی منتقل نکند. بنابراین، آموزش مفاهیم دینی دارای مراحل و درجات است و این مراحل و درجات به دلیل تفاوت در رشد استعدادها، شناختی، عاطفی، انگیزشی و نیز تفاوت در معلومات و تجربیات دانش آموزان است، به گونه‌ای که نمی‌توان هر مطلبی را در هر مرحله‌ای آموزش داد، بلکه مطالب باید متناسب با سطح فکر و قدرت درک دانش آموزان باشد. به عنوان مثال، آموزه‌های وجود خداوند، توحید، معاد و مانند آن‌ها در دوره ابتدایی نمی‌تواند در قالب استدلال‌های پیچیده عقلانی و مفاهیم انتزاعی آموزش داده شوند، بلکه باید با زبانی ساده، جذاب و آسان بیان گردند؛ و مفاهیم انتزاعی، براهین فلسفی و منطقی را به دوره‌هایی موکول کرد که استعداد لازم برای فهم آن‌ها در دانش آموزان پدیده آمده باشد.

۱۵-۳- اصل مداومت و استمرار

در مکتب اسلام، آموزش امری است مداوم و مستمر، و مسلمان همیشه باید در وادی آموزش و فراگیری باشد، همان گونه که در حدیث آمده است: «أُطْلِبَ الْعِلْمُ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ»، «چنین گفت پیغمبر راستگوی زگهواره تا گور دانش بجوی». کسب علم و فراگیری امر دایمی تلقی شده است و تحصیل علم از نظر اسلام زمان معین و مشخصی ندارد، چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ» و حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: «لَا يُحْرَزُ الْعِلْمُ إِلَّا مَنْ يُطِيلُ دَرَسَهُ»، «بر دانش و معرفت دست نیابد، مگر کسی که در تحصیل خویش مداومت نماید»؛ زیرا که به فرموده آن حضرت، دانش و معرفت پایان نمی‌پذیرد. بنابراین، همان گونه که گذشت، از نظر اسلام، آموزش مفاهیم و حقایق دینی امری است که باید تا پایان عمر استمرار یابد و آدمی تحت تأثیر آن باشد، لکن دوران کودکی و نوجوانی را می‌توان دوران ملازمت و مداومت آموزه‌های دینی از نظر اسلام دانست که باید والدین و مربیان بر این امر نظارت داشته و هدایت نمایند. در این باره تنها به ذکر یک روایت از امام صادق علیه السلام بسنده می‌کنیم که فرمود: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ»، «کودک به مدت هفت سال باید بازی کند و به مدت هفت سال باید آموزش خواندن ببیند و به مدت هفت سال باید تعلیم حلال و حرام داده شود».

بنابراین، از روایات اسلامی استفاده می‌شود که آموزش مفاهیم دینی در دوران کودکی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، چنانچه آموزه‌های دینی در این دوران انجام نپذیرد، به آموزش در بزرگسالی نمی‌توان امید چندانی داشت. به عبارتی، اهمیت آموزش آموزه‌های دینی به کودک از سویی و طولانی بودن دوره ساختار ذهنی و روانی کودکی انسان از سوی دیگر، استمرار و مداومت در آموزش مفاهیم دینی به کودک را می‌طلبد. از این رو، باید به موازات رشد عقلی و تحول روانی کودک، مفاهیم اعتقادی را به کودک انتقال داد و از شتاب و فشار بی‌مورد در این امر پرهیز نمود.

^۸ J. H. Pestalozzi مربی بزرگ تعلیم و تربیت سویسی

۱۵-۴- اصل آگاهی بخشی

آموزش مبتنی بر بصیرت و آگاهی دانش آموز از اصول اساسی نظام آموزشی اسلام است. در منابع اسلامی، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که علم و آگاهی را می ستاید و مردم را به سوی آن می خواند و تشویق می کند و از جمود و تقلید کورکورانه و بدون تفکر و تعقل بر حذر داشته و به شدت نکوهش می نماید؛ به طور مثال خداوند در آیه ۱۰۸ سوره مبارکه یوسف می فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» در این آیه، خداوند از انسان ها می خواهد بر اساس بصیرت و آگاهی رفتار نمایند و دین حق را بپذیرند، و شیوه دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بر اساس آگاهی است.

از این رو، در نظام آموزشی اسلام دیگر جایی برای تحمیل عقیده و القائات و به تبع آن، تقلید کورکورانه باقی نمی ماند؛ چرا که اصولاً این مفاهیم با مفهوم پذیرش بر اساس بصیرت و آگاهی، به هیچ وجه سازگار نیست. در برخی از روایات نیز بر این نکته تأکید شده که آموزش اگر بر اساس فهم و آگاهی نباشد، چندان سودمند و پایدار نخواهد بود.

روایت علوی زیر نمونه ای از این روایات است: «أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفْهَمٌ، أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهِ تَدَبُّرٌ»، «هان! بدانید دانشی که بر اساس اندیشه و آگاهی فرا گرفته نشود، خیری ندارد، و یادگیری که در آن تدبر نباشد نیز خیری نخواهد داشت».

از دیدگاه شهید مطهری، هدف در تعلیم و تربیت اسلامی باید دادن رشد فکری به دانش آموز باشد. از دیدگاه برخی دیگر، رشد و تعالی کودک در فرآیند آموزش و پرورش به عمق و معرفت درونی وابسته است نه افزایش حجم اطلاعات. بنابراین، آنچه باید در جریان آموزش مفاهیم دینی به کودکان، مورد توجه معلمان قرار گیرد، تأکید بر درک و آگاهی مفاهیم است، ضمن این که حفظ و تکرار و تلقین شرط لازم آموزش در سنین کودکی است ولی کافی نیست. این حقیقت را می توان در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام یافت که می فرماید: «فَضْلُ فِكْرٍ وَ تَفْهَمٍ أَنْجَعُ مِنْ فَضْلِ تَكْرَارٍ وَ دِرَاسَةٍ»، «یادگیری ای که بر اساس تفکر و فعالیت فکری دانش آموز باشد، به مراتب سودمندتر از تکرار و مرور آن است»

۱۵-۵- اصل تفاوت های فردی

تفاوت های فردی از اصول پذیرفته شده در روان شناسی، تعلیم و تربیت و معارف دینی است، و به این معناست که همه انسان ها با یکدیگر شباهت هایی دارند، ولی آنان از حیث ویژگی های شناختی، عاطفی، انگیزشی، بهره هوشی، تأثیر و تأثرات محیطی و صفات شخصیتی از همدیگر متفاوتند. همین امر موجب می شود که هر انسانی، موجود مستقل، تام و فردی خاص باشد. به همین دلیل، یکی از عمده ترین مسائل روان شناسی، مسأله تفاوت های فردی و عوامل آن ها می باشد و حتی برخی از روان شناسان می گویند «روان شناسی غیر از تفاوت های فردی موضوع دیگری برای بحث ندارد بر این اساس؛ اصل تفاوت های فردی از دیدگاه دانشمندان تعلیم و تربیت نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، شهید ثانی بر این اعتقاد است که معلم باید با هر یک از دانش آموزان با توجه به میزان فهم و استعداد آنان سخن گوید، و مورد خطاب قرار ده. خواجه نصیرالدین طوسی ترجیح می دهد که معلم باید پیش از هر اقدام آموزشی، استعداد و قابلیت های کودک را با دقت و فراست شناسایی و آن گاه علوم و صنایع متناسب را به او بیاموزد. مرحوم علامه محمدتقی جعفری، معلم و دانش آموزان را به باغبان و گل ها و درختان یک باغ تشبیه می کند که هر یک از درختان و گل ها، ویژگی ها و نیازهای متفاوتی دارند. نیاز هر کدام به آب و هوا و نور و کود متفاوت می باشد. این باغبان است که باید با دقت کامل نیاز هر یک از آنان را بشناسد، به مقدار لازم آن ها را آبیاری نموده، و در معرض نور و هوا قرار دهد. معلم نیز باید ویژگی های شناختی و عاطفی هر یک از دانش آموزان را بشناسد تا بتواند متناسب با آن ها رفتار خاصی در پیش گیرد.

خلاصه آن که، توجه به تفاوت های فردی در آموزش یکی از اصولی است که معلم باید با آن آشنا باشد و آموزش خود را با آن همگام سازد؛ زیرا «اهمیت دادن به تفاوت های فردی در آموزش، اثربخشی آموزشی را بیمه می کند. بر این اساس، رعایت

تفاوت های فردی در آموزش مفاهیم دینی کودکان دبستانی از اهمیت زیادی برخوردار است، به ویژه در انتخاب و استفاده از روش های آموزشی، معلمان باید انعطاف بیش تری داشته باشند و در آموزش مفاهیم دینی به کودکان به طور یکسان عمل ننمایند، بلکه متناسب با ویژگی های شناختی، عاطفی، انگیزشی، سوابق خانوادگی و محیطی آنان، از روش های گوناگون و مؤثر استفاده نمایند. به عنوان نمونه، معلمان می بایست بدانند برای برخی از کودکان، آموزش مفاهیم دینی با استفاده از روش شعر و داستان سودمند است و برای برخی از راه پرسش و پاسخ. برخی مفاهیم دینی را زودتر می فهمند و برخی دیگر نیاز به مثال و توضیح بیش تری دارند.

۱۶- آشنایی با دو روش مهم از روش های آموزش مفاهیم دینی

مقصود از روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان، فنون، شیوه ها و دستورالعمل های جزئی است که اهداف و اصول آموزش مفاهیم دینی را به ثمر می رساند و به آن ها عینیت می بخشد. در واقع، بخش کاربردی فرایند آموزش مفاهیم دینی، شیوه ها و روش های آن است. به عبارتی، مهم ترین و دشوارترین مرحله از فرایند آموزش، تعیین و تشخیص روش های آموزش مفاهیم دینی و استفاده و به کارگیری صحیح و مناسب آن، به ویژه برای کودکان می باشد. از این رو، در این بخش، با توجه به ویژگی های شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان دبستانی، به بررسی این روش ها خواهیم پرداخت.

۱۶-۱- روش استفاده از مثال

یکی از روش های مهم و مؤثر در آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی، استفاده از مثال است. استفاده از مثال های متنوع، فهم مسائل انتزاعی را برای دانش آموزانی که از نظر رشد شناختی و تحول روانی ضعیف و یا در سطح پایینی می باشند، آسان می کند. به عبارتی، در بیان مطالب علمی و عقلی، استفاده از مثال بهترین روش برای هر چه بیش تر آشکار ساختن مطالب، تفهیم ساده تر و در نتیجه، درک بهتر و سریع تر آن هاست. از این رو، استفاده از مثال یک شیوه قرآنی است. قرآن کریم با استفاده از این روش، حقایق و مفاهیم عقلی و غیر محسوس را در قالب حکایات و مثال های سودمند، به گونه ای در ذهن مخاطب ملموس و مجسم می سازد تا به این ترتیب ماهیت امر برای مردم روشن و آشکار گردد و آنان به خوبی به حقیقت موضوع پی ببرند. پیامبر مکرّم اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام نیز در بسیاری از موارد برای القا و تفهیم آموزه های عالی دینی و تبیین مطالب عقلی، از مثال آوری بهره برده اند [۲۰].

۱۶-۲- روش قصه گویی

زبان قصه یا داستان یکی از مناسب ترین روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان است؛ زیرا کودکان شیفته شنیدن قصه و خواندن داستان می باشند و این سبب می شود تا بخش عمده تعلیم و تربیت دینی کودکان از این راه انجام پذیرد. هرچه استفاده از داستان های مناسب بیش تر باشد، تأثیر این آموزش و رسیدن به هدف های مورد نظر آن، ساده تر و سریع تر صورت می گیرد. در اهمیت این روش و بهره گیری از آن، همین بس که در قرآن کریم و تعالیم انبیای الهی و کتاب های آسمانی هم این روش مؤثر، یعنی زبان داستان و قصه برای آموزش، هدایت، القای مفاهیم و پیام های دینی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم بسیاری از مفاهیم، حقایق و آموزه های دینی را در قالب بهترین قصه ها، به زبانی ساده، جذاب و قابل فهم برای مردم بیان نموده است. مثلاً در داستان حضرت آدم و حضرت عیسی علیهم السلام حقیقت و چگونگی آفرینش الهی تفسیر می شود؛ در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام اثبات توحید و یگانگی خداوند و در داستان عزیر کیفیت معاد بیان گردید است.

۱۷- نتیجه گیری و پیشنهادات

به نظر می رسد در میان اصول مطرح شده، آنچه بسیار مهم می باشد، «اصل آگاهی بخشی» در آموزش مفاهیم دینی است. در دیدگاه اسلام، اعتقاد بر این است که مجموعه مفاهیم و آموزه های اعتقادی، اموری هستند که با سرشت اولیه و دست نخورده کودک و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگارند. چنان که خداوند در آیه ۳۰ سوره مبارکه «روم» خود شاهدهی بر همین دست مایه های فطری است. فطری بودن مفاهیم اعتقادی حاکی از این است که پیش از هر نوع آموزشی، نوعی کشش به سمت دین، خدا و معاد در نهاد کودک وجود دارد که می تواند پرورش یابد و شکوفا شود. روایت نبوی «کل مولود یولد علی الفطره» نیز بر همین امر دلالت دارد. بر این اساس، آموزش مفاهیم دینی به کودکان، علی رغم اعتقاد کسانی که آن را در سنین کودکی مناسب نمی دانند، ممکن و قابل اجراست؛ زیرا ما در آموزش مفاهیم دینی به کودکان هرگز به دنبال اضافه نمودن مطلبی بیرون از وجود کودک نیستیم، بلکه غرض از آموزش اعطای بینش و آگاهی، یا به عبارتی، رشد و شکوفاسازی اموری است که در سرشت کودک نهاده شده و فطری اوست. به همین دلیل، در آموزش و انتقال مفاهیم و آموزه های مبتنی بر فطرت، دیگر جایی برای خشونت و سخت گیری، تحمیل عقیده، القائات و به تبع آن، تقلید کورکورانه باقی نمی ماند؛ چرا که این مفاهیم با آموزش بر اساس فهم و آگاهی به هیچ وجه سازگار نیست. از این رو، مهم ترین اصلی که باید در جریان آموزش مفاهیم دینی به کودکان مورد توجه معلمان و مربیان قرار گیرد، اصل آگاهی بخشی است و اصول دیگر نیز با توجه به این اصل مهم و اساسی قابل اجرا می باشند. همچنین پیشنهادهای نویسنده در باب این پژوهش در جداول (۵) و (۶) شرح داده شده است.

جدول (۵): پیشنهادهای نظری (ماخذ: نگارنده).

ردیف	شرح
۱	به دلیل آن که نظام آموزشی در دین اسلام دارای عناصر مهم و اساسی همچون مبانی، اصول و روش های آموزشی است، این پژوهش تنها گام مقدماتی در ارائه اصول و روش های آموزش مفاهیم اعتقادی اسلام به کودکان دبستانی بود که مورد بررسی قرار گرفت. از این رو، پیشنهاد می شود مبانی و اهداف نظام آموزشی در اسلام در پژوهشی جداگانه دنبال شود.
۲	در این پژوهش، اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دوره دبستانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. پیشنهاد می شود شبیه چنین پژوهشی در مقاطع مختلف تحصیلی (دوره راهنمایی و دبیرستان) نیز به عنوان مکمل انجام گیرد.
۳	انجام پژوهش های میدانی گسترده و در سطح وسیع با عنوان «بررسی توانایی های شناختی و عاطفی کودکان در آموزش اصول اعتقادی اسلام» می تواند موضوع پژوهش های دیگری قرار گیرد که کامل کننده این پژوهش باشد.

جدول (۶): پیشنهادهای عملی (ماخذ: نگارنده).

ردیف	شرح
۱	به دلیل آن که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان دوره ابتدایی، معلم نقش اصلی و اساسی دارد، معلمان دینی باید علاوه بر آگاهی صحیح از دین اسلام و التزام عملی به ارزش های اسلامی، با ویژگی های شناختی، عاطفی و انگیزشی کودک که موضوع روان شناسی رشد کودک است آشنا باشند تا بتوانند معارف اسلامی، به ویژه مفاهیم اعتقادی را به نحوی مؤثر به کودکان آموزش دهند.
۲	نظر به ویژگی های رشد روانی در این دوره، طرح جنبه های استدلالی معارف اعتقادی به کودکان دبستانی کار درستی نیست و شایسته است آموزگاران در آموزش مفاهیم دینی و اعتقادی بیش تر پی آمدهای دنیایی و آخرتی اعتقادات اسلامی را با استفاده از اصول و روش های آموزشی مناسب این دوره مورد توجه و گوشزد قرار دهند.
۳	از آن جا که دانش آموزان در دوره ابتدایی، (به ویژه در سال های اول) با امور حس شدنی و ملموس سر و کار دارند، پیشنهاد می شود معلمان دینی کودکان در تدریس و آموزش توحید، معاد و جلوه های نظم و هدف مندی طبیعت، از ابزارهای کمک آموزشی همچون عکس، اسلاید و فیلم های آموزشی استفاده نمایند.
۴	برای حفظ نشاط و شادابی کودکان در آموزش مفاهیم دینی، پیشنهاد می شود از شیوه های تشویقی متناسب با روحیه کودکان، بجا و بموقع استفاده شود و از برخوردهای تند و خشن پرهیز گردد.

مراجع

- [۱]. مرادی، زهرا، «(۱۳۸۵)، بررسی علل گرایش جوانان به دین در شهر همدان» پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته احکام و فلسفه اسلامی، کرج: دانشکده الهیات و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- [۲]. دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه دهخدا»، ماده اصل و فرهنگ معین، ماده اصل.
- [۳]. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۲)، «تعلیم و تربیت در اسلام»، چاپ هشتم و یکم، تهران، انتشارات صدرا.
- [۴]. اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری، (۱۳۸۳)، فصلنامه مصباح، شماره پنجاه، فروردین و اردیبهشت.
- [۵]. احمدی، احمد، (۱۳۸۰)، «اصول و روش های تربیت در اسلام»، تهران، انتشارات واحد فوق برنامه جهاد دانشگاهی.
- [۶]. شیری وثیق، احمد، (۱۳۸۲)، «بررسی شیوه های جدید تربیت دینی دانش آموزان از دیدگاه دانشمندان تعلیم و تربیت»، طرح پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان همدان.
- [۷]. قربانزاده، سلام الله، (۱۳۷۷)، «بررسی عوامل مؤثر در رشد و تثبیت باورهای دینی دانش آموزان دوره متوسطه استان آذربایجان غربی»، طرح پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی.
- [۸]. بیگدلی، معرفت الله، «(۱۳۸۱)، بررسی علل کم رنگ شدن مسائل دینی و اخلاقی در بین دانش آموزان متوسطه نظری و نقش مربیان پرورشی در تقویت ارزش های دینی و اخلاقی دانش آموزان در استان اردبیل»، طرح پژوهشی با استفاده از اعتبارات شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اردبیل.
- [۹]. رضایی، علی، (۱۳۸۷)، «بررسی راه های افزایش گرایش عملی جوانان به مسائل دینی از نگاه فرهنگ اسلامی» پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته کلام و فلسفه اسلامی، اراک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- [۱۰]. احمدی نژاد، علی و مجیدی، رضا، (۱۳۸۵)، «بررسی راه های تقویت و حفظ دینداری و دین باوری نسل جوان در برابر تهاجم فرهنگی غرب» پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد.
- [۱۱]. باقری، خسرو، (۱۳۸۵)، «تربیت دینی و چالش قرن ۲۱»، به نقل از مکاتبه و اندیشه، سال هفتم، جلد بیست و پنجم، قم، انتشارات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها.
- [۱۲]. لطف آبادی، حسین، «رویکردی نو به فلسفه تعلیم و تربیت»، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال ششم، شماره بیستم، تهران، ۱۳۸۶.
- [۱۳]. فرهادیان، رضا، (۱۳۸۹)، «هنرمعلمی»، چاپ دوم، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- [۱۴]. حاجی بابایی و همکاران، (۱۳۹۲)، «نظام رتبه بندی حرفه ای معلمان و جذب و تأمین منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش»، معاونت توسعه ی مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش.
- [۱۵]. مرعشی، علی اکبر، (۱۳۷۴)، «بررسی مهارت های شغلی معلمان ابتدایی»، مؤسسه ی اندیش ور، مرکز تحقیقات آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
- [۱۶]. مهر محمدی، محمود، (۱۳۷۹)، «بازاندیشی فرایند یاددهی-یادگیری و تربیت معلم»، تهران، انتشارات مدرسه.

- [۱۷]. مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، جلد ۷۴، باب ۱۱ «فی وصیته لکمیل بن زیاد النخعی»، صفحه ۲۶۷.
- [۱۸]. کلینی، محمدبن یعقوب، «اصول کافی»، جلد ۱، «باب من عمل بغير علم»، ح ۱، صفحه ۴۳.
- [۱۹]. شریعتمداری، علی، (۱۳۶۹)، «اصول و فلسفه تعلیم و تربیت»، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، صفحه ۱۱.
- [۲۰]. باقری، خسرو، (۱۳۷۶)، «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ چهارم، صفحه ۶۴.